

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۱۳۶

آیه ۲۲۲ - ۲۲۳

آیه و ترجمه

و یسلونک عن المحیض قل هو اذی فاعتزلوا النساء فی المحیض ولا تقربوهن حتی یطهرن فاذا تطهرن فاتوهن من حیث امرکم الله ان الله یحب التوبین و یحب المتطهرین نساوکم حرث لکم فاتوا حرثکم انی شئتم و قدموا لانفسکم و اتقوا الله و اعلموا انکم ملاقوه و بشرالمومنین

ترجمه :

۲۲۲ - و از تو، درباره خون حیض سوال می کنند، بگو: چیز زیانبار و آلوده‌ای است، از این رو در حالت قاعدگی، از زنان کناره‌گیری کنید! و با آنها نزدیکی ننمایید، تا پاک شوند! و هنگامی که پاک شدند، از طریقی که خدا به شما فرمان داده، با آنها آمیزش کنید! خداوند، توبه کنندگان را دوست دارد، و پاکان را (نیز) دوست دارد.

۲۲۳ - زنان شما، محل بذرافشانی شما هستند، پس هر زمان که بخواهید، می‌توانید با آنها آمیزش کنید.

و (سعی نمائید از این فرصت بهره گرفته، با پرورش فرزندان صالح) اثرنیکی برای خود، از پیش بفرستید! و از خدا بپرهیزید و بدانید او راملاقات خواهید کرد و به مومنان، بشارت ده!

شان نزول :

زنان در هر ماه به مدت حد اقل سه روز و حد اکثر ده روز قاعده می‌شوند و آن عبارت از خونی است که با اوصاف خاصی که در کتب فقه آمده از رحم زن خارج می‌گردد، زن را در چنین حال حائض و آن خون را خون حیض می‌گویند، آیین کنونی یهود و نصارا احکام ضد یکدیگر در مورد آمیزش مردان با چنین زنانی دارند که برای هر کس حالت استفهام ایجاد می‌نماید

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۱۳۷

جمعی از یهود می‌گویند معاشرت مردان با اینگونه زنان مطلقاً حرام است هر

چند که به صورت غذا خوردن سر یک سفره و یا زندگی در یک اطاق باشد مثلاً می‌گویند جائی که زن حائض بنشیند مرد نباید بنشیند، اگر نشست باید لباس خود را بشوید و الا نجس است، و نیز اگر در رختخواب او بخوابد لباس و بدن را باید شستشو دهد، بطور خلاصه زن را در این مدت یک موجود ناپاک و لازم الاجتناب می‌دانند.

در مقابل این گروه نصارا هستند که می‌گویند: هیچ گونه فرقی میان حالت حیض زنان و غیر حیض نیست، همه گونه معاشرت حتی آمیزش جنسی با آنان بی مانع است!

مشرکین عرب به خصوص آنها که در مدینه زندگی می‌کردند، کم و بیش به خلق و خوی یهود انس گرفته بودند و با زنان حائض مانند یهود رفتار می‌کردند و در زمان عادت ماهیانه از آنها جدا می‌شدند، همین اختلاف در آیین و افراط و تفریط‌های غیر قابل گذشت سبب شد که بعضی از مسلمانان از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در این باره سؤال کنند، در پاسخ آنان این آیه نازل شد

تفسیر :

### حکم زنان در عادت ماهیانه

در نخستین آیه به سوال دیگری برخورد می‌کنیم و آن درباره عادت ماهیانه زنان است، می‌فرماید: درباره (خون) حیض از تو سوال می‌کنند بگو چیز زیان آوری است (و یسئلونک عن المحیض قل هو اذی).

و بلافاصله می‌افزاید: حال که چنین است از زنان در حالت قاعدگی کناره گیری نمائید، و با آنها آمیزش جنسی نکنید تا پاک شوند (فاعزلوا النساء فی المحیض و لا تقربوهن حتی یطهرن).

---

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۱۳۸

ولی هنگامی که پاک شوند، از طریقی که خدا به شما فرمان داده با آنها آمیزش کنید که خداوند توبه کنندگان و پاکان را دوست دارد (فاذا تطهرن فاتوهن من حیث امرکم الله ان الله یحب التوابین و یحب المتطهرین).

محیض مصدر میمی و به معنی عادت ماهیانه است، در معجم مقاییس اللغة، آمده است که این واژه، در اصل به معنی خارج شدن آب قرمز از درختی است به نام سمره، (سپس به عادت ماهیانه زنان اطلاق شده است) ولی در تفسیر فخر رازی آمده که حیض در اصل به معنی سیل است، و لذا هنگامی که سیل

جریان پیدا کند، گفته می‌شود حاض السیل، و حوض را نیز به همین مناسبت حوض می‌گویند که آب به‌سوی آن جریان پیدا می‌کند. ولی از گفته راغب در مفردات عکس این استفاده می‌شود که این واژه دراصل به معنی همان خون عادت است (سپس به معانی دیگر اطلاق شده). و در هر حال منظور در اینجا، همان خون است که قرآن، آن را اذی (چیز آلوده یا زیان‌آور) معرفی کرده است، و در حقیقت این جمله، فلسفه حکم اجتناب از آمیزش جنسی زنان را در حالت قاعدگی که در جمله بعد آمده است بیان می‌کند، زیرا آمیزش در چنین حالتی، علاوه بر اینکه تنفرآور است، زیانهای بسیاری به بار می‌آورد که طب امروز نیز آن را اثبات کرده، از جمله احتمال عقیم شدن مرد و زن، و ایجاد یک محیط مساعد برای پرورش میکرب بیماریهای آمیزشی (مانند سفلیس و سوزاک) و نیز التهاب اعضاء تناسلی زن و وارد شدن خون آلوده به داخل عضو تناسلی مرد و غیر اینها که در کتب طب آمده است، لذا پزشکان، آمیزش جنسی با چنین زنانی را ممنوع اعلام می‌کنند. منشا پیدایش خون حیض، مربوط به احتقان و پر خون شدن عروق رحم، سپس پوسته پوسته شدن مخاط آن، و جریان خونهای موجود است، ترشح خون مزبور، ابتداء نامنظم و بی رنگ است، ولی بزودی سرخ رنگ و منظم می‌شود و در

---

#### تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۱۳۹

اواخر کار بار دیگر کم رنگ و نامرتب می‌گردد. اصولاً خونی که هنگام عادت ماهیانه دفع می‌شود، خونی است که همراه در عروق داخلی رحم، برای تغذیه جنین احتمالی جمع می‌گردد، زیرا میدانیم رحم زن در هر ماه تولید یک تخمک می‌کند، و مقارن آن عروق داخلی رحم به عنوان آماده باش برای تغذیه نطفه مملو از خون می‌شود، اگر در این موقع که تخمک وارد رحم می‌شود، اسپرم که نطفه مرد است در آنجا موجود باشد، تشکیل نطفه و جنین می‌دهد و خونهای موجود در عروق رحم صرف تغذیه آن می‌شود، در غیر این صورت، بر اثر پوسته پوسته شدن مخاط رحم، و شکافتن جدار رگها، خون موجود خارج می‌شود و این همان خون حیض است، و از اینجا دلیل دیگری برای ممنوع بودن آمیزش جنسی در این حال به دست می‌آید، زیرا رحم زن در موقع تخلیه این خونها هیچ گونه آمادگی طبیعی برای پذیرش نطفه ندارد و لذا از آن صدمه می‌بیند. جمله یطهرن به گفته بسیاری از مفسران به معنی پاک شدن زنان از

خون حیض است، و اما جمله فاذا تطهرن را بسیاری به معنی غسل کردن گرفته‌اند، بنابراین طبق جمله اول، به هنگام پاک شدن از خون، آمیزش جنسی جایز است هر چند غسل نکرده باشد و طبق جمله دوم، تا غسل نکند جایز نیست.

بنابراین آیه خالی از ابهام نیست، ولی با توجه به اینکه جمله دوم تفسیری است بر جمله اول و نتیجه آن - لذا با فاء تفریع عطف شده - به نظر می‌رسد که تطهرن نیز به معنی پاک شدن از خون است، بنابراین با پاک شدن از عادت، آمیزش مجاز است، به خصوص اینکه در آغاز آیه هیچ سخنی از وجوب غسل در میان نبود و این همان قولی است که فقهای بزرگ نیز در فقه به آن فتوا داده‌اند که بعد از پاک شدن از خون حتی قبل از غسل، آمیزش جنسی جایز است، ولی بدون شک، بهتر

---

#### تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۱۴۰

این است که بعد از غسل کردن باشد.

جمله من حیث امرکم الله (از آن طریق که خداوند دستور داده) می‌تواند تاکیدی بر جمله قبل باشد، یعنی فقط در حال پاکی زنان، آمیزش جنسی داشته باشید نه در غیر این حالت، و ممکن است مفهوم وسیع‌تر و کلی‌تری از آن استفاده کرد، یعنی بعد از پاک شدن نیز، آمیزش باید در چهار چوب فرمان خدا باشد، این فرمان می‌تواند فرمان تکوینی پروردگار یا فرمان تشریعی او باشد زیرا خداوند برای بقای نوع انسان، جاذبه مخصوصی در میان دو جنس مخالف، نسبت به یکدیگر قرار داده، و به همین دلیل آمیزش جنسی لذت خاصی برای هر دو طرف دارد، ولی مسلم است، که هدف نهایی بقاء نسل بوده، و این جاذبه ولذت مقدمه آن است بنابراین لذت جنسی باید، تنها در مسیر بقای نسل قرار گیرد، و به همین جهت استمناء و لواط و مانند آن، نوعی انحراف از این فرمان تکوینی و ممنوع است.

و نیز ممکن است مراد امر تشریعی باشد، یعنی بعد از پاک شدن زنان از عادت ماهانه، باید جهات حلال و حرام را در حکم شرع در نظر بگیرید.

بعضی نیز گفته‌اند: مفهوم این جمله ممنوع بودن آمیزش جنسی با همسران از غیر طریق معمولی می‌باشد، ولی با توجه به اینکه در آیات گذشته سخنی از این مطلب در میان نبوده، این تفسیر مناسب به نظر نمی‌رسد.

در آیه دوم، اشاره زیبایی به هدف نهایی آمیزش جنسی کرده، می‌فرماید:

همسران شما محل بذرافشانی شما هستند (نساو کم حرث لکم). بنابراین هر زمان بخواهید می‌توانید با آنها آمیزش نمائید (فاتوا حرثکم)

---

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۱۴۱

انی شئتم).

در اینجا زنان تشبیه به مزرعه شده‌اند، و این تشبیه ممکن است برای بعضی سنگین آید که چرا اسلام درباره نیمی از نوع بشر چنین تعبیری کرده است در حالی که نکته باریکی در این تشبیه نهفته شده، در حقیقت قرآن می‌خواهد ضرورت وجود زن را در اجتماع انسانی نشان دهد که زن وسیله اطفاء شهوت و هوسرانی مردان نیست، بلکه وسیله‌ای است برای حفظ حیات نوع بشر، این سخن در برابر آنها که نسبت به جنس زن همچون یک بازیچه یا وسیله هوسبازی می‌نگرند، هشدار می‌شود. حرث مصدر است و به معنی بذرافشانی است و گاهی به خود مزرعه نیز اطلاق می‌شود.

انی از اسماء شرط است و غالباً به معنی متی که به معنی زمان است استعمال می‌شود، و در این صورت آن را انی زمانیه می‌گویند و گاهی نیز به معنی مکان است، مانند آنچه در آیه ۳۷ سوره آل عمران آمده: قال یا مریم انی لک هذا قالت هو من عند الله، زکریا گفت ای مریم! این غذا (ی بهشتی) را از کجا آورده‌ای؟، گفت: از نزد خدا.

اگر انی در آیه فوق زمانیه باشد، توسعه زمانی مساله آمیزش جنسی را بیان می‌کند، یعنی در هر ساعتی از شب و روز مجاز هستید و اگر مکانیه باشد، توسعه در مکان و چگونگی انواع آمیزش است.

این احتمال نیز وجود دارد که اشاره به هر دو جنبه باشد و به این ترتیب، دو همسر می‌توانند هر گونه و در هر زمان و مکان، از لذت جنسی بهره‌گیرند، (جز آنچه در قانون شرع ممنوع شده است).

سپس در ادامه آیه می‌افزاید: با اعمال صالح و پرورش فرزندان صالح، آثار نیکی برای خود از پیش بفرستید (و قدموا لانفسکم).

---

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۱۴۲

اشاره به اینکه هدف نهایی از آمیزش جنسی، لذت و کامجویی نیست بلکه باید از این موضوع، برای ایجاد و پرورش فرزندان شایسته، استفاده کرد، و آن را به

عنوان یک ذخیره معنوی برای فردای قیامت ازپیش بفرستید، این سخن هشدار می‌دهد که باید در انتخاب همسر، اصولی را رعایت کنید که به این نتیجه مهم، یعنی تربیت فرزندان صالح و نسل شایسته انسانی منتهی شود. در حدیثی نیز از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌خوانیم که فرمود: اذا مات الانسان انقطع امله الا عن ثلاث: صدقة جاریة و علم ینتفع به و ولد صالح یدعوا له، هنگامی که انسان می‌میرد امید او جز از سه چیز قطع می‌شود: صدقات جاریه (اموالی که از منافع آن مرتبا بهره‌گیری می‌شود) و علمی که از آن سود می‌برند و فرزند صالحی که برای اودعا می‌کند. در حدیث دیگری از امام صادق (علیه السلام) می‌خوانیم که فرمود: لیس یتبع الرجل بعد موته من الاجر الا ثلاث خصال: صدقة اجراها فی حیاة فیهی تجری بعد موته، و سنة هدی سنهها فیهی تعمل بها بعد موته، و ولد صالح یتستغفر له، هیچ‌گونه اجر و پاداشی بعد از مرگ به دنبال انسان نمی‌آید مگر سه چیز: صدقه جاریهای که در حیات خود فراهم ساخته و بعد از مرگش ادامه دارد (مانند بناهای خیر) و سنت هدایت‌گری که آن را برقرار کرده و بعد از مرگ او به آن عمل می‌کنند، و فرزند صالحی که برای او استغفار کند. همین مضمون در روایات متعدد دیگری نیز وارد شده است، و در بعضی از روایات، شش موضوع ذکر شده که اولین آنها فرزند صالح است. به این ترتیب فرزندان صالح در کنار آثار علمی و تالیف کتابهای هدایت‌کننده

#### تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۱۴۳

و تاسیس بناهای خیر همچون مسجد و بیمارستان و کتابخانه قرار گرفته‌اند. و در پایان آیه، دستور به تقوا می‌دهد و می‌فرماید: تقوای الهی پیشه کنید و بدانید او را ملاقات خواهید کرد، و به مومنان بشارت دهید بشارت رحمت الهی و سعادت و نجات در سایه تقوا (و اتقوا الله و اعلموا انکم ملاقوه و بشر المومنین).

از آنجا که مساله آمیزش جنسی، مساله‌ای است مهم، و با پرجاذبه‌ترین غرایز انسان سر و کار دارد، خداوند در این جمله‌های آخر، مومنان را به دقت در این امر، و پرهیز از هر گونه گناه و انحراف، دعوت فرموده و به آنها هشدار می‌دهد که بدانید همگی به ملاقات پروردگار خواهید شتافت و تنها راه نجات ایمان و تقوای در سایه ایمان است.

نکته :

## دستور عادلانه اسلام در مورد عادت ماهیانه زنان

اقوام پیشین در مورد زنان در عادت ماهیانه عقائد مختلفی داشتند: یهود فوق العاده سخت گیری می کردند و در این ایام به کلی از زنان در همه چیز جدا می شدند، در خوردن و آشامیدن و مجلس و بستر، و در تورات کنونی احکام شدیدی در این باره دیده می شود.

و به عکس آنها مسیحیان هیچ گونه محدودیت و ممنوعیتی برای خود، در برخورد با زنان، در این ایام قائل نبودند، و اما بت پرستان عرب، دستور و سنت

---

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۱۴۴

خاصی نزد آنها در این زمینه یافت نمی شد، ولی ساکنان مدینه و اطراف آن، بعضی از آداب یهود را در این زمینه اقتباس کرده بودند، و در معاشرت با زنان در حال حیض، سختگیریهایی داشتند، در حالی که سایر عرب چنین نبودند، و حتی شاید آمیزش جنسی را در این حال جالب می دانستند و معتقد بودند اگر فرزندی نصیب آنها شود بسیار خونریز خواهد بود، و این از صفات بارز و مطلوب، نزد اعراب بادیه نشین خونریز بود.

۲ - ذکر طهارت و توبه در کنار یکدیگر در آیات فوق ممکن است اشاره به این باشد که طهارت، مربوط به پاکیزگی ظاهر، و توبه اشاره به پاکیزگی باطن است.

این احتمال نیز وجود دارد که طهارت در اینجا به معنی آلوده نشدن به گناه بوده باشد یعنی خداوند، هم کسانی را که آلوده به گناه نشده اند دوست دارد و هم کسانی که بعد از آلودگی توبه کنند، و در زمره پاکان در آیند. ضمناً اشاره به مساله توبه در اینجا ممکن است ناظر به این باشد که بعضی بر اثر فشار غریزه جنسی نمی توانستند خویشتن داری کنند و برخلاف امر خدا به گناه آلوده می شدند، سپس از عمل خود نادم شده و ناراحت می گشتند، برای اینکه راه بازگشت را به روی خود بسته نبینند و از رحمت حق مایوس نشوند، طریق توبه را به آنها نشان می دهد.

---

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۱۴۵

آیه ۲۲۴ - ۲۲۵

آیه و ترجمه

و لا تجعلوا الله عرضة لایمنکم ان تبروا و تتقوا و تصلحوا بین الناس و الله سمیع



علیم لا یواخذکم الله باللغو فی ایمانکم و لکن یواخذکم بما کسبت قلوبکم و الله  
غفور حلیم

ترجمه :

۲۲۴ - خدا را در معرض سوگندهای خود قرار ندهید! و برای اینکه نیکی کنید،  
و تقوا پیشه سازید، و در میان مردم اصلاح کنید (سوگند یاد ننمایید)! و  
خداوند شنوا و داناست.

۲۲۵ - خداوند شما را به خاطر سوگندهایی که بدون توجه یاد  
می کنید، مؤاخذه نخواهد کرد، اما به آنچه دلهای شما کسب کرده،  
(و سوگندهایی که از روی اراده و اختیار، یاد می کنید)، مؤاخذه می کند.  
و خداوند، آمرزنده و بردبار است.

شان نزول :

میان داماد و دختر یکی از یاران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به نام عبد  
الله بن رواحه اختلافی روی داد او سوگند یاد کرد که برای اصلاح کار آنها هیچ  
گونه دخالتی نکند و در این راه گامی بر ندارد. آیه فوق نازل شد و این گونه  
سوگندها را ممنوع و بی اساس قلمداد کرد.

تفسیر :

تا می توانید سوگند نخورید

چنانکه در شان نزول خواندیم: دو آیه فوق ناظر به سوء استفاده از  
مساله سوگند است، و مقدمهای محسوب می شود برای بحث آیات آینده که از  
ایلاء و سوگند در مورد ترک آمیزش جنسی با همسران سخن می گوید.  
در نخستین آیه می فرماید: خدا را در معرض سوگندهای خود برای ترک نیکی  
و تقوا و اصلاح در میان مردم قرار ندهید و (بدانید) خدا شنوا و دانا است

---

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۱۴۶

سخنان شما را می شنود و از نیات شما آگاه است (و لا تجعلوا الله عرضة  
لایمانکم ان تبروا و تتقوا و تصلحوا بین الناس و الله سمیع علیم).  
ایمان جمع یمین به معنی سوگند است، و عرضه (بر وزن غرغه) به معنی در  
معرض قرار گرفتن چیزی است، مثلاً جنسی را که به بازار برای فروش  
می برند و در معرض معامله قرار می دهند، عرضه می نامند، گاهی به موانع نیز،  
عرضه اطلاق می شود، زیرا در معرض انسان و بر سر راه او قرار دارد.  
بعضی نیز گفته اند: منظور این است که حتی برای کارهای نیک، اعم



از کوچک و بزرگ، قسم یاد نکنید، و نام خدا را کوچک ننمایید، و به این ترتیب سوگند یاد کردن جز در مواردی که هدف مهمی در کار باشد عمل نامطلوب است این موضوع در احادیث زیادی نیز به چشم می خورد، از جمله اینکه در حدیثی امام صادق (علیه السلام) می فرماید: و لاتحلفوا بالله صادقین و لا کاذبین فان الله سبحانه یقول و لا تجعلوا الله عرضة لایمانکم: هیچ گاه سوگند به خدا یاد نکنید چه راستگو باشید، چه دروغگو، زیرا خداوند سبحان می فرماید: خدا را در معرض سوگندهای خود قرار ندهید. احادیث متعدد دیگری نیز در این زمینه نقل شده است. در این صورت تناسب آن با شان نزول چنین است که سوگند یاد کردن در کارهای خوب عملی پسندیده نیست تا چه رسد به اینکه کسی سوگند یاد کند کارهای خوب را ترک کند.

---

#### تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۱۴۷

در آیه بعد برای تکمیل این مطلب که قسم نباید مانع کار خیر شود می فرماید: خداوند شما را به خاطر سوگندهائی که بدون توجه یادمی کنید مؤاخذه نخواهد کرد (لا یواخذکم الله باللغو فی ایمانکم). اما به آنچه دلهای شما کسب کرده (و سوگندهائی که از روی اراده و اختیار یاد می کنید) مؤاخذه می کند و خداوند آمرزنده و دارای حلم است (و لکن یواخذکم بما کسبت قلوبکم و الله غفور حلیم). در این آیه خداوند به دو نوع سوگند اشاره کرده است، نوع اول قسمهای لغو است که هیچ گونه اثری ندارد و نباید به آن اعتنا کرد، این نوع قسمها آنهایی است که مردم بدون توجه، تکیه کلام خود قرار می دهند و به آن عادت کرده اند و در هر کاری لا و الله (نه به خدا قسم...) یا بلی و الله (آری به خدا سوگند...) می گویند، این نوع قسمها را قسم لغومینامند. زیرا لغو در لغت به تمام کارها و سخنانی گفته می شود که دارای هدف مشخصی نیست، یا از روی اراده و تصمیم سر نمی زند. بنابراین سوگندهائی که انسان در حال غضب (در صورتی که غضب سبب بیرون رفتن از حال عادی شود) یاد می کند، جزء قسمهای لغواست و طبق آیه فوق، خداوند مواخذهای بر این گونه قسمها نمی کند و نباید به آن ترتیب اثر داد (هر چند انسان باید خود را چنان تربیت کند که این گونه سوگندها را نیز کنار بگذارد)، به هر حال این گونه قسمها واجب العمل نیست و مخالفت آن

کفاره ندارد. زیرا از روی اراده و تصمیم نیست.  
جمله و الله غفور حلیم می تواند اشاره ای به این معنی بوده باشد.  
نوع دوم سوگندهائی است که از روی اراده و تصمیم انجام می گیرد و به تعبیر قرآن قلب انسان آن را کسب می کند، این گونه قسم معتبر است و باید به آن پایبند بود، و مخالفت با آن، هم گناه دارد، و هم موجب کفاره می شود مگر در مواردی که بعدا اشاره خواهد شد، این همان است که در سوره مائده آیه ۸۹ از آن تعبیر به ما

---

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۱۴۸

### عقدتم الایمان

شده است، یعنی سوگندهائی که از روی اراده محکم کرده اید.

نکته :

### سوگندهای بی اعتبار

قسم یاد کردن از نظر اسلام کار خوبی نیست، ولی در عین حال حرام نمی باشد، و اگر به خاطر هدفهای مهم تربیتی و اجتماعی و اصلاحی انجام گیرد ممکن است واجب یا مستحب گردد، ولی با این حال یک سلسله از سوگندهاست که از نظر اسلام به کلی بی اعتبار است، از جمله:  
۱ - سوگندهائی که به غیر نام خدا باشد، حتی قسم خوردن به نام پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه هدی (علیهم السلام) واجب العمل نیست، یعنی اگر کسی به غیر نام خدا قسم یاد کند ملزم به انجام آن نمی باشد و مخالفت آن کفاره ندارد.

۲ - سوگندهائی که برای انجام کار حرام یا مکروه، یا ترک واجب و مستحب باشد آن هم اعتباری ندارد، مثل اینکه کسی سوگند یاد کند که دین خود را نپردازد یا با بستگان خویش ترک رابطه کند، یا از اصلاح ذات البین خود داری نماید همان گونه که کرارا دیده شده، بعضی از اشخاص به سبب خاطره بدی که از یک اصلاح ذات البین پیدا می کنند قسم یاد می کنند که هرگز سراغ چنین کاری نروند، به این گونه سوگندها نباید اعتنا کرد، هر چند با نام خدا باشد و یکی از تفسیرهای لا یواخذکم الله باللغو فی ایمانکم همین است، ولی قسمهایی که به نام خدا باشد، و موضوع آن کار خوب یا لا اقل کار مباحی است، وفا کردن به آن واجب است، و اگر کسی با آن مخالفت کند کفاره دارد.  
کفاره آن اطعام ده مسکین یا لباس پوشاندن بر ده نفر نیازمند و یا آزاد کردن

یک برده است (این معنی در آیه ۸۹ سوره مائده آمده است) و اکنون که برده وجود ندارد باید یکی از دو کار اول را انجام داد.

---

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۱۴۹

آیه ۲۲۶ - ۲۲۷

آیه و ترجمه

لَّذِينَ يُولُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ تَبِصُّ اَرْبَعَةَ اَشْهُرٍ فَاِنْ فَاوَا فَاِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ  
و ان عزموا الطلاق فَاِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

ترجمه :

۲۲۶ - کسانی که زنان خود را ایلاء مینمایند (سوگند یاد می کنند که با آنها، آمیزش جنسی ننمایند) حق دارند چهار ماه انتظار بکشند.  
(و در ضمن این چهار ماه، وضع خود را با همسر خویش، از نظر ادامه زندگی یا طلاق، روشن سازند). اگر (در این فرصت،) بازگشت کنند، (چیزی بر آنها نیست، زیرا) خداوند، آمرزنده و مهربان است.  
۲۲۷ - و اگر تصمیم به جدایی گرفتند، (آن هم با شرایطش مانعی ندارد)، خداوند شنوا و داناست.

تفسیر :

مبارزه با یک رسم زشت جاهلی

در دوران جاهلیت زن هیچ گونه ارزش و مقامی در جامعه عرب نداشت و به همین جهت برای جدائی از او یا تحت فشار قرار دادن زن، طرق زشتی وجود داشت که یکی از آنها ایلاء - به معنی سوگند خوردن بر ترک عمل زناشویی - بود به این ترتیب که هر زمان مردی از همسر خود متنفر می شد، سوگند یاد می کرد که با او همبستر نگردد و با این راه غیر انسانی همسر خود را در تنگنای شدیدی قرار می داد، نه او را رسماً طلاق می داد تا آزادانه شوهر انتخاب کند، و نه بعد از این سوگند حاضر می شد آشتی کرده و با همسر خود زندگی مطلوبی داشته باشد البته خود مردان غالباً تحت فشار قرار نمی گرفتند، چون همسران متعددی داشتند

---

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۱۵۰

آیات مورد بحث با این سنت غلط مبارزه کرده و طریق گشودن این سوگند را بیان می کند، می فرماید: کسانی که از زنان خود ایلاء می کنند (سوگند برای

ترک آمیزش جنسی می خوردند) حق دارند چهار ماه انتظار کشند (للدین یولون من نسائهم تربص اربعة اشهر). این چهار ماه مهلت برای این است که وضع خویش را با همسر خود روشن کنند و زن را از این نابسامانی، نجات دهند. سپس می افزاید: اگر (در این فرصت) تصمیم به بازگشت گرفتند، خداوند آمرزنده و مهربان است (فان فاوا فان الله غفور رحيم). آری خداوند گذشته او را در این مساله و همچنین شکستن سوگند را براو می بخشد - هر چند کفاره آن چنانکه خواهیم گفت به قوت خود باقی است. و اگر تصمیم به جدائی گرفتند (آن هم با شرایطش مانعی ندارد) خداوندشنا و دانا است (و ان عزموا الطلاق فان الله سمیع علیم). و هر گاه مرد هیچ یک از این دو راه را انتخاب نکند، نه به زندگی سالم زناشویی باز گردد، و نه زن را با طلاق رها سازد، در این جا حاکم شرع دخالت می کند و مرد را به زندان می اندازد و بر او سخت می گیرد که بعد از گذشتن چهار ماه، مجبور شود یکی از دو راه را انتخاب کند و زن را از حال بلاتکلیفی در آورد. به این ترتیب با اینکه اسلام حکم ایلاء (سوگند خوردن بر ترک آمیزش جنسی) را به کلی ابطال نکرده اما آثار سوء آن را از بین برده، زیرا به کسی اجازه نمی دهد که از این راه، همسرش را سرگردان سازد، و اگر می بینیم مدت چهار ماه به عنوان ضرب الاجل تعیین کرده نه به خاطر این است که می توان از این طریق مقداری از حقوق زناشویی را باطل کرد بلکه از این نظر است که آمیزش جنسی به عنوان یک واجب شرعی در هر چهار ماه لازم است (البته این در صورتی است که زن بر اثر طول مدت به گناه نیفتد، لذا در مورد زنان جوان که بیم گرفتاری در گناه

---

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۱۵۱

باشد لازم است این فاصله کمتر شود).

**نکته ها**

**۱ - ایلاء یک حکم استثنائی است**

در آیات گذشته، سخن از سوگندهای لغو و بی اثر بود و گفتیم هر سخنی که برای کار خلافی باشد، جزء سوگندهای لغو و بیهوده است و شکستن آن هیچ محذوری ندارد و مطابق این حکم باید سوگند بر ترک

وظیفه زناشویی مطلقا اثری نداشته باشد در حالی که در اسلام برای آن کفاره قرار داده شده همان کفاره شکستن قسم که در بحث سابق گفته شد) این در حقیقت مجازاتی است برای مردان لجوج که به این شیوه ناجوانمردانه برای ابطال حقوق زن متوسل نشوند و این کار را تکرار نکنند.

## ۲ - مقایسه حکم اسلام و دنیای غرب

در غرب و سنتهای جاهلی آنها نیز چیزی شبیه ایلاء وجود دارد که آن راجدائی جسمانی می نامند.

توضیح اینکه: از آنجا که طلاق در میان مسیحیان نیست، بعد از انقلاب کبیر فرانسه یکی از راههایی که برای جدائی میان زن و مردی که حاضر نبودند با هم زندگی کنند تصویب شد جدائی جسمی بود و آن این بود که زن و مرد موقتا از هم جدا شده و در خانه های جداگانه زندگی می کردند (وظیفه انفاق از سوی مرد و تمکین از سوی زن ساقط می شد، ولی رابطه ازدواج برقرار بود) با این حال نه مرد می توانست همسر دیگری اختیار کند و نه زن می توانست شوهر نماید، مدت این

---

### تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۱۵۲

جدائی ممکن بود تا سه سال ادامه پیدا کند، بعد از این مدت ناچار بودند جدائی را رها ساخته و با هم زندگی کنند.

گرچه دنیای غرب این جدائی را تا سه سال اجازه می دهد، ولی اسلام حاضر نشد - بیش از چهار ماه که اگر سوگند هم یاد نکند چنین فاصلهای مباح است - این وضع نابسامان ادامه یابد، مرد باید بعد از این مدت وضع خود را روشن سازد، و اگر سرپیچی کند حکومت اسلامی می تواند او را تحت فشار شدید قرار دهد تا کار را یکسره کند.

## ۳ - اوصاف الهی در پایان هر آیه

قابل توجه اینکه در بسیاری از آیات قرآن، اوصافی از خداوند، پایانگر بحثها است، این اوصاف همیشه رابطه مستقیمی با محتوای آیه دارد، و چنان نیست که انتخاب آن بدون رابطه نزدیکی صورت گرفته باشد.

از جمله در آیات مورد بحث هنگامی که سخن از ایلاء و تصمیم بر شکستن این قسم گناه آلود می گوید، آیه به جمله غفور رحیم ختم می شود، اشاره به اینکه این حرکت صحیح، سبب می شود که گذشته گناه آلود مشمول غفران رحمت الهی گردد، و هنگامی که سخن از تصمیم بر طلاق در میان است، روی

اوصاف سمیع علیم تکیه می شود، یعنی خداوند سخنان شما را می شنود و از انگیزه طلاق و جدائی آگاه است، و شما را بر طبق آن جزا می دهد.

← بعد

↑ فرست

→ قبل